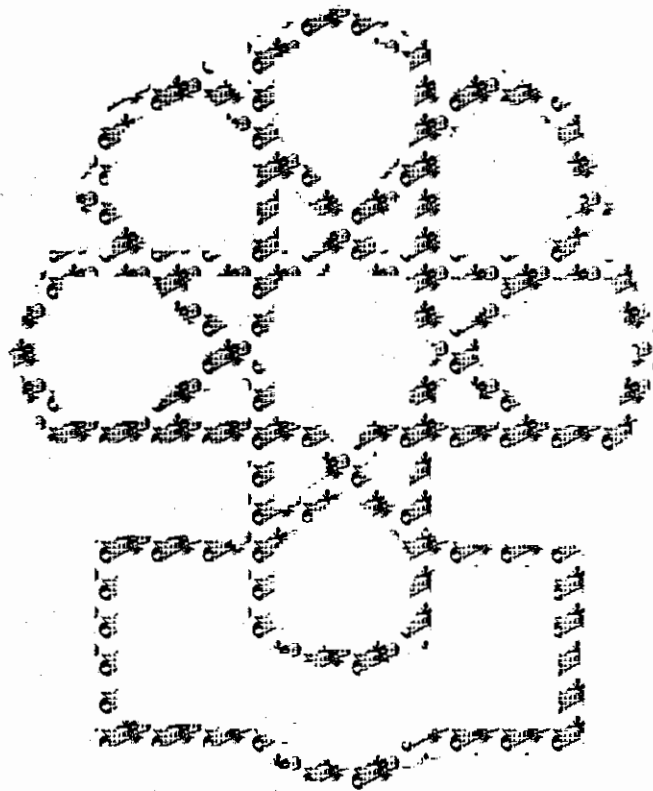




رهیافت‌هایی پیرامون اسلامی شدن دانشگاه‌ها



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

معاونت پژوهشی

شهریور ۱۳۷۵

کد گزارش: ۴۰۰۱۶۲۹

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی فارابی

شماره: ۷۷۵۲

تاریخ: ۷۴/۱۱/۱۸

فهرست مطالب

۲مقدمه
۲فصل اول - ضرورت موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها
۲تعریف مسئله
۳دینی شدن علم و مجامع علمی در سایر ادیان و جهان امروز
۳فصل دوم - وحدت حوزه و دانشگاه، گام نخست
۴تاریخچه ایجاد وحدت
۴انواع وحدت
۴وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)
۵وحدت از منظر مقام معظم رهبری
۶فصل سوم - اسلامی شدن دانشگاه‌ها از دیدگاه امام خمینی (ره)
۶معنای صحیح اسلامی شدن دانشگاه‌ها
۶مقابله با فساد در مدارس، زمینه‌ساز اسلامی شدن دانشگاه‌ها
۷مسئولیت خطیر معلمان و اساتید
۷ضرورت رابطه روحانیت با اندیشمندان مسلمان دانشگاهی
۷فصل چهارم - اسلامی شدن دانشگاه‌ها از منظر مقام معظم رهبری
۸اتمام حجت الهی
۸دانشگاه‌ها هنوز اسلامی نشده است
۸اسلامی شدن با حفظ هویت علمی
۸استفاده از عناصر مؤمن و متعهد به اسلام و انقلاب اسلامی
۸اسلامی شدن دانشگاه‌ها؛ تحولی بنیادین
۹توقف امر اعزام دانشجویان به خارج از کشور
۹برکناری اساتید غیر متعهد
۹وظیفه اساسی و حساس شورای عالی انقلاب فرهنگی
۹فصل پنجم - رهیافت‌ها

در مکتب حیات بخش اسلام، علم اهمیت فراوانی داشته و عالم از جایگاه رفیع و ویژه‌ای برخوردار است، «قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون»^۱ اسلام افراد جامعه را به فراگیری دانش ترغیب و تشویق می‌کند تا زمینه رشد و پیشرفت جامعه اسلامی در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و ... فراهم گردد؛ چراکه تعالی و پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو قشر دانشگاهی و تحصیلکرده آن بوده و این گروه در هر جامعه‌ای - اعم از اسلامی و غیر اسلامی - از جایگاهی ویژه‌ای و مرتبتی والا برخوردارند. امام خمینی (ره) در پیام خویش به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ در بیان اهمیت دانشگاه و طبقه دانشگاهی و تحصیلکرده می‌فرماید:

«همه می‌دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام، بعد از توده‌های مردم در دست طبقه

تحصیلکرده است و هدف بزرگ استعمار نو به دست گرفتن مراکز این قشر است...»^۲

آموزش عالی در فرهنگ و تمدن پویای ایرانی و اسلامی از قدمت و غنای شایسته‌ای برخوردار است. این مقوله اگرچه با تعابیر و مشخصات کنونی تفاوت‌هایی دارد، اما به نحو بارزی بر پیشرفت و انتقال علوم در جهان تأثیر نهاده است.

فصل اول - ضرورت موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها

اسلام، دینی فرهنگی، علم و عالم‌پرور و فرهنگ آفرین بوده و در متن تعالیم خود به مقوله علم و فرهنگ توجه فراوانی نموده است و چنین دینی حق دارد در مورد دانشگاه‌ها به عنوان سازمانی علمی، نظر، توصیه و دستورالعمل ارائه دهد. به همین دلیل، هم از نظر دیدگاه‌های مذهبی و اعتقادی و هم به لحاظ ضرورت‌های جامعه شناختی، سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی کنونی، باید جایگاه دانشگاه از نظر دینی معلوم شده و حرکت به سوی اسلامی شدن هر چه بیشتر دانشگاه‌ها آغاز گردد.

تعریف مسئله

تعریف مسئله، بررسی شرایط موجود، تصویر معضل، ترسیم هدف و تبیین راه‌های وصول به آن، از مهمترین عوامل در رسیدن به هدف محسوب می‌شود. برای رسیدن به هدفی مانند اسلامی شدن دانشگاه‌ها نیز چاره‌ای جز تعریف دقیق اسلامی شدن، بررسی شرایط موجود در دانشگاه‌ها، تصویر معضل و مشکل اسلامی نبودن دانشگاه‌های موجود و تبیین راه‌های وصول به هدف مورد نظر نداریم.

اسلامی شدن به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه و یا صنف خاص در دانشگاه‌ها نیست، بلکه عجین ساختن دانش‌اندوزی با آداب معنوی و ارزشهای والای الهی و اخلاقی می‌باشد. اسلامی کردن به معنای گنجاندن تعالیم دینی در مسائل مربوط به علوم نیست، بلکه به معنای دمیدن روح معنوی و ارزش‌ها، آرمان‌ها، رسالت و تعهد دینی و انسانی در جامعه علمی است. اسلامی شدن به معنای مبارزه با انحرافات جامعه علمی، جلوگیری از تبدیل دانشمندان به کامپیوتری بدون احساس و عاطفه و تعهد دینی، و دمیدن

۱. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۳۶.

۲. آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آرای امام خمینی (ره))، (تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره))، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲ تا ۲۴۳.

روح استقلال در اندیشمندان، عالمان و جامعه علمی کشور است.

دینی شدن علم و مجامع علمی در سایر ادیان و جهان امروز

دینی شدن علم و دانشگاه‌ها مختص به مکتب حیات بخش اسلام نبوده و در سایر ادیان نیز به این امر توجه فراوانی شده است. برخی از جامعه شناسان علم مانند «رابرت مرتون» در این زمینه سخن گفته و معتقدند که در علم، هنجارهای اجتماعی وجود داشته و علم به صورت علمی، نیروی ادراکی و صورت ذهنی عالم مورد بحث است. در جامعه شناسی علم که با جامعه شناسی معرفت و فرهنگ مرتبط است، علم را به عنوان یک پدیده و نهاد اجتماعی که با سایر نهادها و اجزای جامعه در تفاعل و تأثیر است، مورد بحث قرار می‌دهند.

«مرتون» در تئوری معروف خود تحت عنوان «ساخت هنجاری علم» که در سال ۱۹۴۲ عرضه نمود، اظهار می‌کند: نرم‌های جامعه در حرفه، فعالیت و تلاش عالمان - حتی به صورت ناآگاهانه - وجود داشته و دین در تصحیح این نرم‌ها و هنجارهای رفتاری نقش دارد. از سوی دیگر، در دنیای امروز، علم با سیاست و قدرت عجین شده و به منظور جلوگیری از سوء استفاده از علم، وجود یک نظام ارزشی برای ارزشگذاری و تبیین بایدها و نبایدها ضروری گردیده است.

در جهان امروز نیز که نقش وحی و علم الهی در دانش کنونی غرب - حداقل در ظاهر - رو به نقصان نهاده است، بسیاری از اندیشمندان غربی را به تفکر واداشته تاراه‌های دینی و اخلاقی جدیدی را برای جلوگیری هر چه بیشتر از سوء استفاده از علوم ارائه نمایند. «جان دیوئی» فیلسوف امریکایی می‌گوید:

« در عصر ما علوم طبیعی، علوم روحی را پشت سر گذاشته است، ما به اندازه‌ای به مکانیسم طبیعی مسلط هستیم که می‌توانیم آن را به نفع خود به کار بندیم، ولی از علم به وسایلی که بتواند ما را در زندگی به مرحله فعل و عمل بیاورد محرومیم و بدین ترتیب، ارزش‌ها و استعداد‌های ما دستخوش تصادف و عادت و قدرت می‌باشد... با تسلط روز افزون ما بر طبیعت و توانایی، در استفاده از آن به نفع انسان، تحقق مقاصد اخلاقی و بهره‌برداری از ارزش‌های انسانی رو به سستی و ناپایداری می‌رسد که گویی گرفتار تضاد و تناقض شده‌ایم...»

فصل دوم - وحدت حوزه و دانشگاه، گام نخست

نقش نیروی سازنده در رشد و تعالی هر جامعه، فوق سایر ابزار و امکانات بوده و به گونه‌ای است که حتی مدیران در رسیدن به مقاصد و منویات خود، بدون استفاده از این نیروها موفق نخواهند بود. این نیروها که حرکت کل جامعه را تحت رهبری مدیران هدایت و کنترل می‌کنند، در کشور ما به وسیله دو مرکز علمی، آموزش داده می‌شد و هم اکنون نیز این رویه ادامه دارد. این دو مرکز که مدعی و عهده‌دار دستیابی به اهداف علم و دین هستند، دانشگاه و حوزه نام دارند. این دو نهاد در گذشته در بسیاری از جهات، متفاوت با یکدیگر عمل می‌کردند؛ یکی رسالت خود را سازندگی انسان‌ها می‌دانست و علم را ابزار می‌پنداشت و دنیا را برای آخرت می‌خواست و دیگری علم و دین را برای دنیا و اهداف مادی طلب می‌کرد. این اهداف متفاوت، روش‌های مختلفی را می‌طلبید و راه‌ها را از هم جدا کرده و پیوستگی و وحدت و یکپارچگی را به جدایی و دوگانگی و چندگانگی و در نهایت، تعارض و تراجم و درگیری مبدل می‌ساخت.

تاریخچه ایجاد وحدت

در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، شخصیت‌های برجسته‌ای از جمله «شهید مطهری» و «شهید مفتاح» در راستای ایجاد ارتباط و وحدت میان حوزه و دانشگاه پیشقدم بوده و کوشیدند، ولی این تلاش‌ها به دلیل این که دانشگاه نیز مانند سایر نهادهای رژیم منحط پهلوی در جهت اهداف رژیم گام برمی‌داشت، به نتیجه نرسید. متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خطر انحراف روشنفکرانمایی و تقدس‌مآبی و تحجر را دوری از مبانی فکری اسلامی و عدم آشنایی با نیازها و مسائل علوم روز می‌دید و از طرفی نیز سازندگی جامعه را در گرو وحدت و هماهنگی نیروهای مخلص و روشنفکر مذهبی حوزه و دانشگاه می‌دانست که می‌تواند در مقابل آن جریان انحرافی پایداری و مقابله نماید، فرمان وحدت حوزه و دانشگاه را صادر فرموده و روز بیست و هفتم آذر (سالروز شهادت «شهید مفتاح») به عنوان «روز وحدت حوزه و دانشگاه» انتخاب گردید.

انواع وحدت

برای وحدت حوزه و دانشگاه زمینه‌های مختلفی را بر می‌شمارند که مهمترین آنها عبارت است از:

- ۱- وحدت در مبانی فکری، معرفتی و فرهنگی؛
 - ۲- وحدت در اهداف عالی (سازندگی، تربیت و هدایت جامعه)؛
 - ۳- وحدت سیاسی و اجتماعی (موضعگیری و عملکرد واحد در مقابل حرکت‌های دشمنان داخلی و خارجی و تبعیت و اطاعت از منویات مقام معظم رهبری در دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی)؛
 - ۴- وحدت علمی (استفاده از متون علمی واحد در رشته‌های علوم انسانی، یعنی انعکاس نظرات اسلام در این زمینه‌ها از طریق منابع درسی حوزه و دانشگاه)؛
 - ۵- وحدت سازمانی (مدیریت واحد در سیاستگذاری‌ها، اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی، حضور در مراکز یکدیگر به منظور آشنایی و ارتباط و همدمی و همفکری بیشتر و ...).
- از میان زمینه‌های یاد شده، وحدت در مبانی فکری و اعتقادی، مقدم بر سایر وحدتهاست؛ چرا که این وحدت، انگیزه علمی و اهداف انسانی واحدی را به دنبال داشته و می‌تواند ما را در رسیدن به زمینه‌های دیگر وحدت رهنمون گردد.

وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام امت (ره) به مناسبت‌های مختلف نظرات خویش را در مورد ضرورت وحدت حوزه و دانشگاه بیان فرموده‌اند. بررسی فرمایشات امام راحل (ره) نشان می‌دهد که ایشان برای حوزه و دانشگاه، اهداف و نقش مشترکی قائلند.

اهمیت حوزه و دانشگاه

امام خمینی (ره) در مورد اهمیت ویژه حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«مسئله حوزه‌های علمیه فقهتی و مسئله دانشگاه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. زیرا به منزله مواد خام مقدرات یک ملت و کشور هستند. این دو مقام، مرجع نشر حقایق اسلام و مسائل سیاسی، اجتماعی

اقتصادی، فرهنگی و دیگر مسائل مورد ابتلای کشور می‌باشند»^۱.

عواقب سوء وحدت حوزه و دانشگاه برای دشمنان اسلام

امام امت (ره) در مورد عدم رضایت دشمنان اسلام از ایجاد وحدت میان حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«اینهایی که نمی‌خواهند یک کشور، صحیح و سالم باشد و ارباب‌های آنها که از اول هم نمی‌خواستند، نمی‌توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده‌اید و می‌خواهید با هم کار کنید. آنها عواقب این امر را برای خودشان می‌دانند و اگر حقیقتاً دانشگاهی و حوزه‌های علمی و همه دانشگاه‌ها در هر جا که هستند، اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند، برای پیروز کردن انقلاب، این برای آنها عواقبی دارد»^۲.

نقش حوزه و دانشگاه در سرنوشت ملت‌ها

امام خمینی (ره) در مورد نقش حوزه و دانشگاه در سعادت و بدبختی ملت‌ها می‌فرمایند:

«منشأ همه گرفتاری‌های یک کشور از دانشگاه است و حوزه‌های علمی، و منشأ همه سعادت‌های مادی و معنوی از دانشگاه است و حوزه‌های علمی»^۳.

وحدت از منظر مقام معظم رهبری .

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، وحدت حوزه و دانشگاه را یکی از ضرورت‌های اساسی جامعه اسلامی می‌دانند. تعدادی از نظرات ایشان به شرح زیر است:

همکاری؛ زمینه‌ساز ایجاد وحدت حقیقی

مقام معظم رهبری در مورد ضرورت همکاری حوزه و دانشگاه برای رسیدن به وحدت حقیقی می‌فرمایند:

«مسئله وحدت حوزه و دانشگاه که امام (ره) مطرح کردند، مراد همکاری حوزه و دانشگاه نیست، اگرچه همچنان که گفتیم، امروز همکاری حوزه و دانشگاه را معنا خواهد داد، یعنی امروز چاره دیگری نداریم، چون حوزه‌های علمیه خیلی از علوم دنیایی جدا شده‌اند، یا به تعبیر دیگر، علوم مربوط به زندگی جسمی مردم و دانشگاه‌ها به کلی از علوم دینی و علوم الهی و اسلامی منفک شد، و لذا سال‌ها طول می‌کشد و باید اینها همکاری‌های مستمری با هم داشته باشند تا زمینه به وجود آمدن یک مجتمع عظیم فراهم شود که در آن، دین و دنیای مردم، هر دو با هم تدریس شود و مردم با جهت‌گیری‌های انسانی صحیح دانش بیاموزند»^۴.

ثمرات وحدت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد ثمرات وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«وحدت روحانی و دانشگاهی بیش از هر چیز، وحدت دل‌ها، انگیزه‌ها، هدف‌ها و ایده‌ها را بر مبنای کمک به هم و استفاده از تجربیات یکدیگر به وجود می‌آورد»^۵.

هدف از وحدت

مقام معظم رهبری در مورد هدف از وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«اما وحدت حوزه و دانشگاه یعنی چه؟ ... وحدت حوزه و دانشگاه یعنی وحدت در هدف و حرکت

۱. صحیفه نور، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ج ۱۸، ص ۲۳۳.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

۳. همان، ص ۲۰۷.

۴. سخنرانی مورخ ۱۳/۹/۱۳۶۳.

۵. سخنرانی مورخ ۲۹/۶/۱۳۶۶.

همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی، پیشرفته و مستقل، جامعه امام، جامعه پیش آهنگ، جامعه الگو و ملت شاهد؛ یعنی ملتی که ملت‌های دنیا با نگاه به او جرئت پیدا می‌کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند...»^۱

فصل سوم - اسلامی شدن دانشگاه‌ها از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی به مناسبت‌های مختلف ضمن تأکید فراوان بر موضوع تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، لزوم اسلامی شدن دانشگاه‌ها را خاطر نشان کرده‌اند.

معنای صحیح اسلامی شدن دانشگاه‌ها

امام امت (ره) در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱ در جمع دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی در مورد اصلاح دانشگاه‌ها و اسلامی شدن آنها می‌فرمایند:

«... بعضی گمان کردند که کسانی که اصلاح دانشگاه‌ها را می‌خواهد و می‌خواهند دانشگاه‌ها اسلامی باشد این است که گمان کردند که - این اشخاص توهم کردند که - علوم دو قسم است، هر علمی دو قسم است، علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی، علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی. از این جهت اعتراض کردند به این که علم، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و بعضی توهم کردند که اینها که قائلند به این که باید دانشگاه‌ها اسلامی بشود، یعنی فقط علم فقه و تفسیر و اصول در آنجا باشد، یعنی همان شأنی را که مدارس قدیمه دارند باید دانشگاه‌ها هم همان تدریس بشود. اینها اشتباهاتی است که بعضی می‌کنند...»

ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است. ما می‌گوییم که دانشگاه ما مبدل شده است به یک میدان جنگ تبلیغاتی، ما می‌گوییم که جوان‌های ما اگر علم هم پیدا کردند، تربیت ندارند، مرتباً به تربیت اسلامی نیستند... ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند در خدمت ملت باشند...»

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم...»^۲

مقابله با فساد در مدارس، زمینه‌ساز اسلامی شدن دانشگاه‌ها

امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰ در مورد ضرورت مقابله با فساد در مدارس به عنوان پیش‌نیازی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها می‌فرمایند:

«... اکنون بر دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز و اساتید و معلمان متعهد است که با تمام توان و قدرت خود در شناسایی عوامل فساد کوشش کنند و محیط آموزش و پرورش را از لوث وجود آنان پاک نمایند

۱ سخنانی مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۸

۲ آیین انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۲۵ تا ۲۲۹

و گمان نشود که این نفوذ فقط برای انحراف دانشگاه‌هاست، که منحرفین و منافقین برای نفوذ در دبیرستان‌ها بلکه دبستان‌ها اهمیت بیشتری قائلند تا جوانان را برای انحراف دانشگاه‌ها مهیا کنند...»^۱

مسئولیت خطیر معلمان و اساتید

امام امت (ره) در پیامی به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰ در مورد مسئولیت خطیر و حساس معلمان و اساتید در تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان می‌فرماید:

«... از این روست که نقش معلمان و اساتید در تربیت و تهذیب دانش‌آموزان و دانشجویان به عنوان اساسی‌ترین و مؤثرترین نقش مطرح می‌گردد... اکنون بر معلمان متعهد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا با کوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاه‌ها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه، بر فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند و براساتید متعهد است... جوانانی متعهد نسبت به مصالح کشور و آگاه به اهداف اسلام تحویل جامعه دهند و مطمئن باشند که با این خدمت، استقلال و آزادی کامل میهن عزیزشان تضمین خواهد شد.»^۲

ضرورت رابطه روحانیت با اندیشمندان مسلمان دانشگاهی

امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۹ در پیامی به مناسبت سالگرد کشتار خونین در مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸، در مورد ضرورت رابطه روحانیت با اندیشمندان مسلمان دانشگاهی می‌فرماید:

«علما و روحانیون انشاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند، ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم، امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند، و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی، راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یک باره به وادی تردید و شک انداخت...»

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزوی به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد.»^۳

فصل چهارم - اسلامی شدن دانشگاه‌ها از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید فراوانی بر امر اسلامی شدن دانشگاه‌ها داشته و به مناسبت‌های گوناگون، نظرات خویش را در این زمینه ارائه فرموده‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تحقیقاتی با ایشان طی سخنان مهمی، وجود علم و

۱. همان، ص ۲۵۰.

۲. همان، ص ۲۵۰ تا ۲۵۱.

۳. همان، ص ۲۵۱ تا ۲۵۲.

ایمان و اقتدار را در مسئولان مراکز آموزش عالی کشور، اتمام حجتی از جانب خداوند متعال دانسته و لزوم اسلامی شدن دانشگاه‌ها را بیش از پیش خاطر نشان کردند.

اتمام حجت الهی

مقام معظم رهبری در مورد استفاده از ابزار علم و دانش به منظور حرکت ملت به سوی تکامل و اهداف انبیای الهی فرمودند:

«... در این کشور دورانی بود که ما از وضعیت دانشگاه‌ها و آموزش عالی و روند دانش پژوهی کشور گله‌مند بودیم، ولی امروز خدای متعال حجت را بر ما تمام کرده است و اگر نتوانیم آن وظیفه عظیم تاریخی، یعنی حرکت ملت به سوی تکامل و اهداف انبیای الهی و دین مقدس اسلام را با استفاده از ابزار علم و دانش به انجام برسانیم، در پیش خدای متعال هیچ جوابی نخواهیم داشت...»^۱

دانشگاه‌ها هنوز اسلامی نشده است

حضرت آیت الله خامنه‌ای در مورد اسلامی نشدن دانشگاه‌ها تاکنون فرمودند:

«... در ایران اسلامی، دانشگاه‌ها به لحاظ علمی، روشن بینی دینی و عمق ایمان مذهبی، رشد زیادی کرده، اما در عین حال هنوز دانشگاه‌هایمان اسلامی نشده است...»^۲

اسلامی شدن با حفظ هویت علمی

مقام معظم رهبری با اشاره به این که اسلامی شدن دانشگاه‌ها کاری ظریف، دقیق و علمی است فرمودند:

«... کار درست این است که با حفظ هویت علمی دانشگاه در جهت اسلامی شدن آن حرکت کنید و بدانید اگر درست عمل کنید، دیگران از شما تقلید خواهند کرد و بشریت از آن متفع خواهد شد...»^۳

استفاده از عناصر مؤمن و متعهد به اسلام و انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله خامنه‌ای، اهمیت پرداختن به جنبه‌های تربیتی، سازماندهی و تشکیلاتی در دانشگاه‌ها را خاطر نشان کرده و فرمودند:

«... عناصر مؤمن و متعهد به اسلام و نظام اسلامی که انقلاب و آرمان‌های انقلابی را با همه وجود باور کرده‌اند، باید در دانشگاه‌ها توان کار پیدا کنند و برای این منظور، بخش مدیریتی و تشکیلاتی در تعیین مسیر حرکت دانشگاه‌ها نقش مؤثر و مهمی را عهده دار است...»^۴

اسلامی شدن دانشگاه‌ها؛ تحولی بنیادین

مقام معظم رهبری برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها، تکلیف را متوجه مسئولان و دست‌اندرکاران وزارت فرهنگ و آموزش عالی دانسته و فرمودند:

۱. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

۲. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

۳. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

۴. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

«... اسلامی کردن دانشگاه‌ها به مفهوم یک تحول بنیادین است که در تاریخ این کشور، ماندگار خواهد شد و تحقق این مهم، مستلزم یک تصمیم‌گیری کلان و عملی و نیز اجرای یک روش صحیح، مدون، قانونی، منطقی و حساب شده است...»^۱

توقف امر اعزام دانشجویان به خارج از کشور
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این که مسئله اعزام دانشجویان به خارج از کشور از سوی کسانی که دارای فکر و اندیشه دانشگاهی‌اند، زیر سؤال است فرمودند:
«... این جانب نسبت به این قضیه دچار تردید هستم؛ زیرا جوانی که می‌تواند در کشور زیر دست اساتید برجسته، دوران عالی را طی کند، چرا باید در خارج از کشور زیر دست افراد مبتدی دوره خود را بگذراند...»^۲

برکناری اساتید غیر متعهد
مقام معظم رهبری اهانت برخی از اساتید و یا دانشجویان بی‌اعتقاد و لابی‌بازی را به دانشجویان بسیجی و تلاشگر دوران دفاع مقدس، کاری مذموم و ناپسند دانسته و فرمودند:
«... مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی باید کسانی را که در سمت استاد دانشگاه با مقدسات نظام اسلامی مبارزه می‌کنند کنار بگذارند و به جای آنان، افراد مؤمن و معتقد که ارزشها و آرمان‌های ملت مسلمان ایران را قبول دارند به کار گمارده شوند...»^۳

وظیفه اساسی و حساس شورای عالی انقلاب فرهنگی
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای وجود دفاتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها را برای رشد و تعالی آموزش عالی ضروری خوانده و ضمن تأکید بر ضرورت تقویت حرکت شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند:
«... اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی باید در جهت تقویت روند کار و فعالیت این شورا تلاش کنند و همت خود را فقط برای به انجام رساندن این وظیفه اساسی به کار گیرند...»^۴

فصل پنجم - رهیافت‌ها

به منظور اسلامی شدن هر چه بیشتر دانشگاه‌ها پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌گردد:
۱- ایجاد و گسترش وحدت میان حوزه و دانشگاه: وحدت در مبانی فکری، معرفتی و فرهنگی، وحدت در اهداف عالی، وحدت سیاسی و اجتماعی، وحدت علمی و وحدت سازمانی، از جمله این وحدت‌هاست و از میان آنها، وحدت در مبانی فکری و اعتقادی مقدم بر سایر وحدت‌ها بوده و راه رسیدن به انواع دیگر وحدت است.

۱. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

۲. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

۳. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

۴. کیهان، ۱۳۷۵/۲/۳۰.

- ۲- تدوین و تبیین علوم به ویژه علوم انسانی براساس معرفت دینی: این گام بسیار مهمی در اسلامی کردن دانشگاه است. مادام که ما نتوانیم برای مسائل و قضایای علمی، براساس جهان بینی اسلامی و معرفت دینی، منطق تحقیق تعریف نکنیم و فقط دین را از جنبه های فقهانی در دانشگاه مورد توجه قرار دهیم و به مسئله نگاه دین شناسانه از علوم نپردازیم، نخواهیم توانست در عرصه دانش و دانشگاه تحول لازم را پدید آوریم. فی المثل در جهان بینی اسلامی بر خلاف جهان بینی های غربی، انسان مختار بوده و دخیل در سرنوشت خویش است، از همین تفاوت در نگرش، می رسیم به این که مبانی براساس دین اسلام با مبانی روانشناسی غربی تفاوت آشکار وجود دارد. باید حوزه و دانشگاه بکوشند در تدوین و تبیین مفاهیم دینی برای علوم انسانی کارهای لازم را انجام بدهند. این کار با شعار به دست نمی آید. وحدت ارگانیک و فعال و تضارب فکری می طلبد.
- ۳- استقلال جامعه علمی و دانشگاهی: تقویت دانشگاه ها از نظر علمی و عدم وابستگی به شرق و غرب، یکی از مهم ترین موارد در این راستا محسوب می شود.
- ۴- مقابله با فساد در مدارس، زمینه ساز اصلاح محیط های دانشگاهی: در صورت اصلاح مدارس و به ویژه دبیرستان ها و تربیت صحیح دانش آموزان، می توان ضمن تقویت پایه های اخلاقی و اعتقادی آنها، از شدت انحراف دانشجویان در دانشگاه ها به میزان زیادی کاست.
- ۵- ایجاد و گسترش تربیت اسلامی در دانشگاه ها: از این طریق می توان دانشجویان را در برابر انحرافات احتمالی بیمه نمود.
- ۶- مسئولیت خطیر اساتید: اساتید در مجامع دانشگاهی، مسئولیت خطیر و مهمی در اصلاح و تربیت دانشجویان و جلوگیری از انحراف آنها برعهده دارند.
- ۷- حفظ هویت علمی: جریان اسلامی کردن دانشگاه ها باید به گونه ای باشد که به هویت علمی مجامع دانشگاهی، اساتید و دانشجویان ضربه نزده و روند پیشرفت های علمی را متوقف نسازد.
- ۸- ضرورت رابطه روحانیت با اندیشمندان مسلمان دانشگاهی: اکنون که به برکت انقلاب اسلامی و در فضای آزاد موجود در کشور، بسیاری از جوانان و اندیشمندان می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان کنند، روحانیت باید با روی گشاده و آغوش باز حرف های آنان را شنیده و پاسخگوی مشکلات آنان باشد.
- ۹- توسعه اندیشه اسلامی در دانشگاه ها: دانشگاه محل توسعه اندیشه اسلامی است. چالش های فکری در دانشگاه ها باید جدی گرفته شده و ضمن دعوت از طیف های گوناگون فکری، از بحث های علمی جانبداری گردیده و از ایجاد هیاهو و جنجال در این گونه بحث ها جلوگیری شود.
- ۱۰- استفاده از عناصر مؤمن و متعهد به اسلام و انقلاب اسلامی: استفاده از این نیروها در دانشگاه ها، زمینه اصلاح مجامع دانشگاهی را بیش از پیش فراهم می نماید.
- ۱۱- برکناری اساتید غیرمتعهد: البته اساتیدی که معاند با اسلام و نظام جمهوری اسلامی هستند.
- ۱۲- توقف امر اعزام دانشجویان به خارج از کشور: البته در زمینه ها و رشته هایی که دانشگاه های داخلی قادر به تعلیم و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز هستند.
- ۱۳- اعمال شیوه های مدیریتی جدید در دانشگاه ها: این شیوه ها باید راه را برای مشارکت هر چه بیشتر دانشجویان مسلمان و متعهد باز کند.

۱۴- تجدیدنظر در شیوه‌گزینش دانشجو: اتخاذ شیوه‌های جدیدی که بتواند در اصلاح هر چه بیشتر محیط‌های دانشگاهی مؤثر واقع گردد.

۱۵- اصلاح محتوایی (نه روینایی) در متون درسی: براساس جهان‌بینی و نگرش اسلامی چرا که بسیاری از متون درسی موجود در دانشگاه‌ها، روزآمد و متناسب با نیازهای جامعه اسلامی نیست.